

سلفی با چوبه دار



در این ستون، زندگی قاتلان معروف ایران که سرنوشتی جز چوبه دار نداشتند، به نوعی از زبان خودشان و براساس اعترافاتشان در دادگاه مرور می شود. مرد سبزی فروش در مشهد که دختر بچه ای را قربانی نیت شیطانی خود کرده بود، یکی از مجرمانی است که این هفته سراغ او رفته ایم.

اعدام شیطان در مشهد

همه چیز به خاطر ناتوانی ام در برابر کنترل و سوسه های شیطانی رخ داد. من علی، متولد سال ۱۳۵۵ هستم. تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواندم و بعد هم درس و مدرسه را رها کردم. خانواده ام اهل تربت حیدریه هستند اما من از زمانی که به خاطر دارم از همان کودکی در مشهد بودم. بعد از سربازی ازدواج کردم اما چون صاحب بچه نشدیم، همسرم طلاق گرفت. درست دو روز بعد از آن که مهر طلاق در شناسنامه ام ثبت شد و به قول معروف هنوز جوهر این مهر خشک نشده بود سوار اتوبوس یکی از بستگان مادرم شدم تا از تربت به مشهد بیایم. در بین راه با راننده صحبت می کردم که از دادگاه می آیم و چنان و چنان! او هم خندید و گفت: امشب با مادرت به خانه فلانی بیایید تا برای خواستگاری صحبت کنیم. ما هم شب به خانه آنها رفتیم و با همسر دومم آشنا شدیم و ازدواج کردیم. سه پسر ۱۰، ۵ و ۳/۵ ساله حاصل این ازدواج بود.

خب بروم سراغ ماجرای ازدواج. شب جنایت که هفتمین شب ایام نوروز سال ۹۷ بود، مقداری شیشه خریدم و مصرف کردم و قرار بود به مهمانی بروم. خانه مادرزنم دعوت داشتیم. پیشتر، همسرم با بچه ها رفته بودند و من هم پس از آنها از خانه بیرون آمدم. در حال قدم زدن در کوچه چشمم به این دختر بچه افتاد و بعد نقشه ای به سرم زد. داشت می رفت تا برای منزل شان از نانوائی نان بخرد. به او گفتم با من بیا تا غذا برای خانواده ات ببری و با این بهانه او را به داخل خانه کشاندم. وقتی کارم تمام شد می خواستم رهایش کنم که برود اما گفت شکایت می ربه پدرش خواهد کرد. با این حرف ترسیدم دستگیر شوم و به فکر کشتن او افتادم و در حالی که زیر دست هایم تقلا می کرد چند دستمال کاغذی را به زور در دهانش فرو بردم و با یک دست دماغش را گرفتم و با دست دیگر به دهانش فشار آوردم تا دستمال های کاغذی در گلویش فشرده شود. پس از آن که خفه اش کردم هر دو لنگه کفش هایش را روی پشت بام مغازه همسایه کناری انداختم. بعد جسدش را داخل یک گونی انداختم و چند کوچه بالاتر در محل خلوتی رها کردم. نان هایی که خریده بود در یک ساک پلاستیکی قرار داشت که ساک را هم روی پشت بام انداختم و بعد به مهمانی رفتم.

پس از محاکمه، متهم به قصاص محکوم و این حکم ۳۱ تیر همان سال اجرا شد.

تیر



ویژه نامه حوادث روزنامه جام جم
چهارشنبه ۲۲ خرداد ۹۸ شماره ۸۳۳

ماجرای



در ششمین روز پس از ناپدید شدن حسام و در حالی که تحقیقات برای یافتن او ادامه داشت، کارآگاهان جنایی بوشهر در جریان کشف جسدی در ساختمانی نیمه کاره قرار گرفتند



قتل بر سر تقسیم مال دزدی

راز قتل مرد جوانی که توسط همدستش بر سر اموال سرقتی به قتل رسیده بود، برملا شد. پلیس پس از کشف جسد پسر جوان متوجه قتل او شده و تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت را آغاز کرد.

چندی پیش، مرد میانسالی به پلیس مراجعه کرد و از ناپدید شدن پسرش خبر داد. مرد میانسال گفت: روز گذشته پسر من مثل همیشه از خانه خارج شد، اما شب به خانه نیامد. از آنجا که احتمال می دادم شب نزد دوستانش باشد، نگران نشدم. اما وقتی ظهر شد و به خانه برگشتم، نگران شدم. هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم، خاموش بود. با دوستان و آشنایانش تماس گرفتم، اما کسی از حسام خبری نداشت. مطمئن بلایی سر پسر من آمده، در غیر این صورت تلفنش را باید جواب می داد.

جست و جوی مرد گمشده

با شکایت مرد میانسال تحقیقات برای یافتن حسام آغاز شد. مشخصات مرد جوان به تمام واحدهای گشت اعلام شد. از سوی کارآگاهان سراغ کلانتری ها و بیمارستان ها رفتند. اما در استعلام های صورت گرفته هیچ رد و سرنخی از مرد جوان به دست نیامده بود. با ناپدید شدن مرد جوان فرضیه های مختلفی مطرح شد. یکی از فرضیه ها آدم ربایی بود، اما از آنجا که کسی با خانواده حسام، تماسی برای دریافت پول نگرفته بود و از طرفی وضعیت مالی خانواده حسام معمولی بود فرضیه آدم ربایی رنگ باخت.

از آنجا که از بیمارستان ها و کلانتری ها نیز استعلام شده بود، این فرضیه که برای مرد

دوربین های مدار بسته اطراف محل حادثه پرداختند. در بازبینی دوربین های مدار بسته تصویر فردی که همراه حسام بود، به دست آمد.

در ادامه، هویت صاحب تصویر شناسایی شد و ماموران بلافاصله وارد عمل شدند و مرد ۳۸ ساله را دستگیر کردند.

متهم جوان که ابتدا منکر جنایت بود، سعی داشت راهی برای تغییر مسیر تحقیقات پیدا کند. اما مدارک و شواهد پلیسی باعث شد او در نهایت به قتل همدستش اعتراف کند. مرد جوان گفت: همراه مقتول سراغ خانه های نیمه ساز می رفتیم و از آنجا سرقت می کردیم. آن روز هم نقشه سرقت را اجرا کردیم و برای تقسیم اموال به ساختمان نیمه سازی که کسی در آنجا رفت و آمد نداشت، رفتیم. در حال تقسیم اموال سرقتی بودیم که با مقتول درگیر شدم. اختلاف ما سر تقسیم این اموال بود که ناگهان دعوی ما بالا گرفت.

او ادامه داد: عصبانی بودم و یک لحظه چشمم به چوبی خورده که آنجا افتاده بود. آن را برداشتم و ضربه ای به سر حسام زدم. قصدم کشتن نبود. در یک لحظه عصبانیت این کار را انجام دادم.

حسام روی زمین افتاد؛ سراغش که رفتم نفس نمی کشید. ترسیدم و سریع از آن محل فرار کردم. هرگز فکر نمی کردم دستگیر شوم و راز این قتل برملا شود.

کشف جسد

در ششمین روز پس از ناپدید شدن حسام و در حالی که تحقیقات برای یافتن او ادامه داشت، کارآگاهان جنایی بوشهر در جریان کشف جسدی در ساختمانی نیمه کاره قرار گرفتند. بلافاصله گروهی از ماموران راهی محل شده، با جسد مردی حدود ۳۵ ساله مواجه شدند. متخصصان پزشکی قانونی در تحقیقات اولیه زمان مرگ را حدود شش روز قبل اعلام کردند. همچنین آنها علت مرگ را اصابت جسمی سخت و سنگین به سر بیان کردند.

از آنجا که مشخصات جسد پیدا شده با مشخصات حسام شباهت زیادی داشت و از سویی زمان مرگ با زمان ناپدید شدن او یکی بود از خانواده مرد ناپدید شده خواسته شد برای شناسایی جسد به پزشکی قانونی بروند. زمانی که خانواده حسام به پزشکی قانونی مراجعه کردند با مشاهده جسد، او را شناسایی کردند و به این ترتیب راز ناپدید شدن مرد ۳۵ ساله برملا شد.

اختلاف بر سر اموال سرقتی

در تحقیقات میدانی کارآگاهان، آنها دریافتند مقتول با مرد جوانی دیده شده است. مشخصات مرد جوان از شاهدان گرفته شد و از سویی آنها به بازبینی

گمشده

عکس متعلق است به آقای مرتضی الله دادی ۳۷ ساله دارای اختلال ذهنی و کلامی که در تاریخ ۹۸/۰۲/۲۹ از منزل حوالی میدان امام حسین تهران، خارج و تا کنون مراجعه ننموده است. کسانی که از نامبرده اطلاع دارند، خواهشمند است با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نموده و مژدگانی دریافت کنند.

۰۹۱۲۳۶۸۴۹۲۹ - ۰۹۳۶۴۸۷۳۹۱۲

استخدام فوری

نیروی ساده آقا

جهت رستوران حقوق بالا با جای خواب صبحانه، ناهار، شام، بیمه

۰۹۱۲۳۶۸۰۲۴۰

آگهی مفقودی

کارت خودرو سواری پژو ۲۰۶ هاج بک TU5 مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۱۹۱۶۴ ای-۶۶ و شماره شاسی NAAP13FE1GJ863774 و شماره موتور 163B0257046 به نام تمین مهرگان نیا مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.